

روابط میان کارگر و کارفرما در سایه حقوق آنامه‌بر نایاب
انتوئی نیست و همه چیز سبکه خواست مردم ایران است.
با فروشنی های شهرباز دو نایاب خود را چرا بدینه می‌شوند:
ت کارگردان توره بدهم، حدود اختصار کارفرما در اخراج کارگر
به اختلافات و ازابن قبیل امور اصلی است که در این
کارگردانی کی لاستحلا مانده است... با آنکه مصطفی کار ما غالبا
بعد از پیده شدن از مشغولیت پایان آن مسولاً مربوط به میل
کارگردانی و او نا غر و وقت که بخواهد میتواند کارگر را به
لور... با اینحال اگر حادثه برای کارگر صفت بارفوش روی
مکن خود را مسئول او نیست اند و مرجعی نیست که سرای
یا نجات از بیماری و بیکاری و اداره خانوار داش اقدام

د ورمه اعتصابی کارگری، در سال ۱۳۵۰ حد اول مزد روزانه کار
گران را ۱۰۰ ریال در پایان ساعت کار تعیین گردید بود.
و نزدیکه، این حد اول مزد هم بر روی گذشت مانند خود بهتر گردید.
سنقی افزایش عرضه‌های زندگی نیست. در گروه پرداخت‌ها و کار...
خانه‌ای بلور و شنیه، در پایان ۱۲ ساعت کار و رفاه ۱۸ ساعت
ساعت کار؛ کارگران روزانه ۷ تا ۱۰ ساعت یا ۱۰ ساعت مزد میکنند.
مزد زنان کارگران در کارخانه‌ی ایشانکی اطلس در پایان پیش از
ساعت کار روزانه ۷ و پیش از ۷ توکان است. کارگران جایخانه
ها پاره‌ها سنت به کم دستمزد و عدم تناسب آن با هزینه‌های
زندگی اشخاص کردند.
کارگران اعتصابی بالا شکاه آبادان به وسیله پالاشکاری
کوئند: ما خاصیت حقوق را نداشیم از ویژگی غیر علیق طبق

از سوی دیگر، بهم حیران ها هشکن عرصه و تناها، که بود
و گرایی مواد خام، سویه درگاه اندامهای تبلیغ کنند، هی کلاههای
هرچیزی و افزایش دستورالبهای بازاریایی در درون و بیرون گشته
تعداد افزایشی از این اندامهای اندامهای اندامهای اندامهای اندامهای
تولید، تغذیل بارهای و پیامخواهی کامل نه بحقیقت زیادهای کارخانه
روز رو کرد و آمد. در این زیده این این گرایی ها، هماکنون وضع
رهای از اندامهای اندامهای اندامهای اندامهای اندامهای اندامهای
کنش وزی و فکری هایی در خطر است و پوشاکی ۳۰۰۰ سس از
آنان در بلاتکلیفی سر بربریه، وضع ۱۰۰۰۰ تن کارگران کارگاه
های روده سازی و ... مدد مدد شد کارگران و شاگردان فعالیات گذشت
لطفاً حکم نهادن با رکود زیستی بازاری و صادراتی آنها به طبع
اختناده است. کارگاهها و کارخانهای شکلات سازی مرغوب شناخت

چهارم است و هر چند که کترش پوچر نباشد بر بحوار گفتوی عده گیر شد
و زیر قرقره دارد بهمان درجه تردی بینشیدی به استواری و حسی
طغیان خواهد بخواست لبیری شدن آب نمودها به آشناست کس
روی خانها باز آنچه کسریه طغیان در ریا خواهد گشید اتفاقاً
بین و کوششای ایران سایید به سالیان ۲۷-۳۸ نکند
از یکسو سالیان ۲۷-۳۸ را که انتقامایی کارگری و حرکتی ای
اعترافی در میان زحمتکاران سوی این پیشافت بدیده گرفته و
از سوی دیگر عده ۱۵ خود را ۶۰ بینشید که از سیل و دامنه
طغیان زحمتکاران تجزیه کشل ایرانی هستین سی کشبا ۱۵۰۰۰
تن گفت ران ا هنگامکه نیمه های غربیتی و اندلسی هستین نایاب
پاشند و یا پیش کارگران و نجمران یکی نشوند و هر چند ایستار
و راه کشان پسند شایورت و این شخاوهای بود که طبق و تقدیر ارس
کیست زنجیرها به هر چیز خواهد رسیده از پردازی طبعی است
بد ان راه و راه راهبری خواهد رفت که بر پیاده و پیش از پیش
یک تر و عادتاً معتقد است ایستار
اگذن بیار برگز کارگران مشغعن شریعتیش طلب خودی
کارگر و طبقی کارگر بر سر نایاب طبقات زحمتکار و سیلکش یا جامده
به نیزه هایی به قدر خود پرخیزند و صوفخود را تشد و فشرده
میگردند آنچه که بیولتاریا برخیزد هندی طبقات به نکان و جاریه
محقق افتند و همچنین سالیانی نیختین بین از شوریور ۴۰-۴۱ هجری
سر آغاز جنگیان بزرگ هرمن در سالیانی ۲۹-۳۰ هجری
اهمی ۲۷-۲۸ و ۲۹-۳۰ به رخانیان بیولتاریا و پیش و اوج گشی خدمتی
لشناشی کارگری پیش راه و طلایه دار پریش و ایج گردی چشمی
هکانی طبقات درم است هر کنک به اتحاد و کترش بالا ابرودن
سطوح و تأثیر هجری خدمتی طبقی کارگر یاری رساند و به اتحاد
کترشی و بالا بودن سطوح و تأثیر هجری چشمی هکانی هردم پس از
رسانده است

جا خود را خواهان روپر میو، توانستند احتمالی بینهای سازند که تا ۱۰۰۰ کارگر را کسکه بینر و هرچه خوب میشد اشت. اگرکن راه آهن در سال ۱۳۰۲ از تعریف تین و زیورای فرانسویان گذاشتند که توانستند این احتمالی را با خانی و انتقامی عرضه نمی ساختند که توانستند مقدار سیار تراوی از اگرکن راه آهن را در اختصاری بستند - هرچوی که بختی انتقامهای اگرکن نفت کردانشاد و باند ن در سالیابی خست نمی شد. به سبب وجود اختلاف حصلی ترک اکلیسی نفت و هنگامی عالی شاه و سان الاما، از دستهای توسط احتمالی تصریفی رعیتیشد. در سالیابی ۱۳۴۲، که بدستور شاه خاشن و نقدت پاراوردن فرما - روزانی مطلب در راه انجام پیدای کارگر غیر قانونی اعلام شده و معمی تبریز از اینجا بعد رشناهی چیز پیکر و سرکوب کارکنان پیش رو شارخ و باید اثنت کشیدن باشکاهها و مرکزهای سازمانی تحدید شد و باید که این جنین کارگری و جنین نموده ای در مردم آشنازکر کر دید و بود، کارکنان به درآجتنش کار بینهای و اشکلو و پیزیزیتی کردند فعالیت احتمالی را پیغام داشتند، در همین دوره، اگرکن نفت و کارگران هم وارد در شرایط فرمایزوی اکام گشته اند. نیروهای سیاه اکلیسی در جنوب سر برده و در انتقامهای شان ناکنیده درست و نجده بین مردم با اشکل و همیر سربیان شاه از پیشوای پیوهای نیم نایها و سی افون های اکلیسی از سری دشمن میوتدند. توانستند بنهایی متفق خود را سازمانده و اختهای پیشوند اینجا را در نیمر هری احتمال پیش بینان پیش بینند. تجهیزات پیکارکن کمتر از اینمانندی جنین کارگری و کوتیستی ایران و هریه مجهیزات اگرکن دلیل هنمان نفت، که هجدهان اینبار نیز پیش ایشان بینهای اینسانی اکارگی ایران کام که اراده اند همراهی کارکن ایران پیش بینند و سازمان یافتن جنین کارگری ایران در زمان ما

اعتصامی لارمیان بد متبر شاه پل بشت قاضی شام "قفاریان" نام
سرپنجه‌ی شده بود، شمار کارگران از بیرون چنان زیاد بودند که
در حوزه‌شناختی چون بررسی مذاخنه شدن حق اعتماد و انتدآن به
دین آن کفران را داد و حکم به صورت سرت و زده شد مای
به تصریف رسیده بود. در همان سال، کارگران ساخته‌یان طی
قطعنامه‌ی خواهان بررسی مذاخنه شدن اتحادیه‌ی سنت شان
شده بودند (که وزارت کارآشایه‌ی بوقت بود) و برای یاد بود که
حکوم شاه از این میان برخی از آنها و تندیه، تغیر و استثنای و خوبی‌سازی
علیه این کار برداشت و از بیوی ریگ به سیاست تکمیل اعتمادی
زد و سرت بازدید، باز قابل توجه است که در سال ۱۳۵۰، گرگه
جنیش اعتصامی مرتفع این تکمیل، حکوم شاه نه تنها سیاست
خوبی‌نی را سنبت به کارگران اینجا گرداند بلکه در راه گشتن اتحادیه
های فلایی، ستایش‌ترین نزد، سر طی اینها و مالیات‌ی آنها
صیادی از همین‌باره انتظارهای است که با وشد و گشتوخته‌ی اعتصامی
کارگران، هم کارآشایی در میان کارگران برای تعالیت اتحادیه
ای مستقل و طرح آشکار آن نمودار شده و هم غذاشایی حکومت
برای تبلور اتحادیه‌ای زد و دام زن به علاوه مذهبیهای تاریخ
فرزی یابد. برخیر، اتفاقی‌های نزدیکه این برو جوانی روشن است:
آنان به خواست و لیویهایی کارگران برای فضای اتحادیه‌ای مستقل
خواستند. گفته خواهند گردید این کوششها را برای این برو از هم
فعالیت صرف‌شایی، کسانه‌ی این اتحادیه‌ی پیش‌بازی و سوابران
انقلابی نزدیکی را می‌دانند. بین‌معنی بحکم و باعی اینها نهاد.
لبیهای علیه و فاقه‌ی در برای کارگران پیش‌برو پیش‌بین مکنند. حال
آنکه آن همیان دیگر، تهدیده بیشتر دامن زده شود و با اندکی
همه جایه و جدی تر ابتلایون و آگاه‌کری آنان در باری این
عیت‌حکمه داراین کار و برو خواهد گشت.

سخت بزمشهد و بخت هرور نیاز است.
در شرایط اختلاف کوئی مین مان، فعالیت های انجام
بیانی هجومی فعالیت های ساسی و خنی منع و یا بینک و سرس-
کوبید و لطف برج و خود کامپیوچر و پرینتر و بور نگاه اول
تملا غافقی میان سازمان انقلابی و اتحادیه بیانیست، چه هر دو
سیاست روزمری میان بزرگ شوند. لیکن، لازم است که اگرگران بیش رو
که اداری اختصار در میان تبدیل گاردنیت ولی زوماً درای و رای اخراجی
نمیتوانند ایدئولوژیک نیستند و در سطح اتحاد بین پنهانی هدف سنتانه
گذارند. گونشیانها و گارگران گونشیانها به تعقیل این امر
بیانی برپاست. اتحاد بین پنهان میباشد اما زمان پنهان انقلابی
بر پیوند باشد و توسل آن به بروز شود. گونشیانها باید اداری
نیافرخ خود را اتحاد بین پنهان بوده اثرا رعصری گذند و از واه
سمسمهای سازمان پنهان انقلابی آثار با دیگر جنبشها و طبقات
و شرکت های بود میبینند و هندن مدین نظرور، شنکل و کستش و
حکم سازمان پنهان انقلابی، که اتفاق آن نه تنها بر میان گار-
گران بلکه در میان معنی طبقات مردم باشد، غرور است اگر بد این
از واه سازمان پنهان انقلابی است که اگرگران پنهانند با جنبشها
میگردند و بخلافات با جنیش بخدر، بینوازی شهید و راشنجر-
پنهان و انتی اموال، بیمار و جوان و برخان فرار گردند. تا زمان
اصحیتی و بینظیریست که بینیت میان بجهاتی گونگران جنیش کار-
کری نیز از راه تسمیهای خود سازمان انقلابی امکان بدیر است.
بهینه حال، اینچه را که در پی خود روابط پنهان مسلمه، بین سازمان پنهان
انقلابی و رابطی آن با اتحاد بین پنهان کارگردی و مخواهی تاکید
گشتم اینست که، یا به که کاری سازمان انقلابی سازمانی پنهان، همه-

شیع روایی اعتمادی در کارکاهها و کارخانه‌های تکنسین
چگانست روزگران اعتمادها و مایه‌های خیانتی کارگری، اختراعی
صکانی کارگران و تولدی رنجیده افزایش هنرهای زندگی و به
تندید پهلوی سرماید ایران، به تضییی نه اشتی علیه بیکاری،
به قدر وسیله دوری هند جا گرسودی حاصمی ایران و ایکنیستگان
این وضع چه طبقه‌بندیکد؟ کارگران ایران در اثر وضع نابینهنجار
اقتصادی و اجتماعی گفتوان، که ایکنیستی و قائم میخ کس سکر
خود طبقات حاکم و سکاه اعتماد برداخته مقدار راضیامی
نیست، رسخت پیغور آنده و بایستاریک و طلب حق برخاسته‌اند.
طبقات حاکم و نایابگران ایمه‌ایست شاه و سکاوه و لیشیش،
این گفتگویی که همه‌ی ایران بدهیز تائیدی و روزنتمای را، که
خود ایکنیست، مانع هستند، بیر روش تود مهای کارگر و زنجیر حمل
کنند و خود در این میان واهمند. شفقی کارگر و در ایران کو-
شن بر جماعت ایستانداری گردند. زند این تنک و خود کنند مای کسے
حکومت خود گامیه شاه از مین ما ساخته بینن از پیش به تفتر
د برپیشی تورهای شنیدنی از اراضی ایران در امن در این روز است. دنکاریکه
هر گونه حق‌طلبی، حق‌زندگی و کندمال ایشان سالاریک و شهری

دیگران بزیری، بجزیه کشیدن چنین کارکرده چنین مایموزد که
بگونه ای اندیشه ای باشد برای پیش کیفیت و آیندگی و استواری اطاعتی
آنها وجود آید و عینها از فعلیان و هرین کارکرده که سازاری
صلاحیت و اختیاری در میان کوشاگران کارگر هر رسته ساختمانی
تشکل شود و روش آنست اتحادیه بنهان سیستان و هرجین اخوا
دیگران آنکار و برویار، نویگر کارگر را در مرکزه و شملک رسی و
نشسته و برقا-تلهای نسی جمعی معین، ماتحتی و روحیه مای
را انته بشاند. ولی اتحادیه بنهان وکی اعتماد صلاحیت اروپا-
بغیره و اختیار کارگری تشکل شود اور هر ساره توانایت دک در کار
آفریش کارگران و متعدد کرد اینان آنان و رعیتی پیشنه مسازی
اصحایی کام و زاره. عناصر اتحادیه بزیری میان هر یک-سربر
فعالیت‌های خود معمولاً از انجمنها و سازمانهای روابط فناوری، ما-
ند انجمنهای بروزی، هنری، تعاونی و سیاست اتحادیه بنهان
زند و از جماعتی می‌جوده، برای رایین زین به سازمانهای کارگران،
متعدد کرس اینان کار آفریشی، اشتغالگاههای حوزان، بهره‌گرفته و در
آنها تحقیک کردیه و در صورت نیوں آنها خوده به تشکل حسماج
و انجمنهای روابط فناوری تعاون و متن درست می‌نمایند. قابلیت اتحادیه
های زند و بزیری تهیبا بر مسند کردن حقوق کارگران، کار اعتمادشی و

اجنبی و تاریخی یافته‌اش را پیشتر با محل هایی از انتشاری
و غیری و انتشارگاهی و پیروزی‌هایی که در دنیا شان روز یکی اند؛
آنان در تحقیقین مولفین چنین بیان می‌کنند که جمیں انتشاری‌اند
ناجدهنگاری‌گردی، نظایران و سیاست‌بازان هم را کلاً ایکان نه بر است،
که از تبریز و سیمینه آنها و پیروزی‌های آنها آوران
برای دفاع و اسلام حماسگو با انتقام‌بازی کارگردانی، همراه طرس
در خواستگاری همانکان اند. کاهشی بهای کالاها، آزادی زید آنها
سیاست، از جمله علمی زندانی کردن و پایارجوتی انتقامگران. کارگردانی
اخراج از این انتقامگاه شاه اوغمان و آواره‌بیان اجتماعی و سیاسی
کنایاکن، که همکنی نیاز و درخواست کارگرگان در زمان کوئی نیز
حست پدرستی بهره‌گرفت، تعبارها و درخواست‌ها می‌باشد
که گفته‌ای تنظیم و طرح عونه که کارگرگان به روشنی رابطی نیز
کنونی خود را با آنها بینند. و هم‌اکنداز خواهد داشت
هنگامی کارگرگان بینند که در زمانیکه حکومت خود کاملی شاوهایی
و نیروهای نظامی را به کارگرانهای کشیل داشته و یا عذایی از انتقام
یکران را بازداشت کرده و یا ۳۰۰ تن از کارگران ماشین‌سازی
تبریز را با افراد انتقامگیران از کارگرانهای بیرون کرد آنده و یا به اختصار
و نماین انتقامی کارگرگان تاختت بر اینه عذری از اینچی و ختنی
عهد کرد آنده ماند، ظاهراست و سیمینه داشتجیان و داش آمزدان
به دفاع از آنها بر گفته است. از آن که انداده است این
لذایگیانی داشتجیون رکوردهای رفع از کارگرگان و درخواستگاری
آنان به طرح سائل اساسی اجتماعی و سیاسی و رسمیاتی بدینه
کارگرگان و درم بر اختمه حکومت شاه را اتفاق کرده و خلاصه جمیں
انشکارگان و روزگارگان اتفاق نمی‌زندی برادرانه شناخته ای رسان چهارمی
کنونی کارگرگان است بلکه کارگرگان را به عرصه‌ی گسترده‌تر و بالاتری
او ساره و جلت و ترتیب می‌کند. بدینسان بینین انتقامگیران و داش
عن آمران نه همان اصول و هیئتیه می‌باشد خود را در خدمت
طبیعی کارگرگ و دو معاوی ترجیح این کارگار بلکه بیمه امسیون و
بیواند با گفتن چنین محتوی حکومتی نعمتی را در پیش اتفاق
بین و گروهیان کوئیست درون رستگاران با چنین کارگران را
کد. کوئیسته از تباخه می‌باشد کارگرگان را بدو فاعل از انتقامگیران
و داش آمران در بربر مستکبرگاهی حکومت را کوئیاند همچنان
نه کارگرگان همان و تبریز و بارانی جاها را برگیر به انتقام علیه
بارد انت و دشمنی کردن عذری از انتقامگیران و اشکانه همان را در
در سال ۱۴۲۴ انتقام ۲۴ ساخته اعلام کردند، بلکه بیمه در
لطفی کنونی میتوان آنست که انتقامگیران و داش آمران را بست
دفع از طبیعی کارگرگ و به کارگران اشکانه و روزگارگان در این
ست برآتیخت (جهانگرد، انتقامگیران و اشکانه همان را در
رابطه با افزایش بهای بیلچ ایوبیه ایوسه از سال ۱۴۲۸ با یادگار است.
ردند، و که خواه ناخواه همکاری و هوان ازیست سنتیم درم کوچه و
بازار را هم جلب کرد).

هم اکون همین راه در هند و سلطان رفته شده است. از این
اشکانی هند در یکی از اشکانیهای آن کشور بخوان انتقامگیران به
افزایش بهای و هزینه‌ی رندکی و میتسهای می‌بند و بارز و لست
برخیزند و بروزی چنین نامزد به میان کارگرگ رفته و چنان
پیکار برگزد و بودن امی و تبریزی داشتگاری همان را در
زنجیان شهر در این اشکانی بخود می‌باشد که دلیل هند را سخت
بدست پاچیک اند اخمه و دستور لشگرگی از پایخت را یافتند.
ولی موغان بوسایه دارد روزانی اند ایانه و شاید هنوز هم اند
الهند انده باشد. اخیراً بر روحشته بین چنین شده است.

علاوه بر به خدمت گرفت حکومتی و شرمهای سود مند و جزو آن بهره‌گرفت
اشکانی و داش آمران نه از این روزگاری میتوان اینکه در این
بروی پسند و سمع اعلایه، شرمهای سود مند و جزو آن بهره‌گرفت
همان گرفت چنین آگاهی و سنت‌خرکی و سوط‌ترینی از انتقامگیری
که بر علیه حکومت شاه و امیرالیام به چنان تماشیها و پیکارهای
خطبایی برگزد وی در این ای برخیزند، بعثت خواهد گشت اه که
این نیرو از کوچکترین فرقه خود در خانه جوانان کارگر و روزگار
(و میتین)، سیکان شهر آواران و رستمی در شهرها و خزانه،
له بیوت سیاسی چنین کوئیست، دموکراتیه و ملی با کارگرگان و دوست
زمع و تجیر خدمت کرده بارزی رسانید بهره‌گرفت از تبریز توده
ای انتقامگیران و داش آمران پیکارگر ایران تبریزه در زمان گنونی
که یک کارگر گونی کوئیستهای می‌باشد تشکیل ندهد.

بسیار مهی را در اینجا خواهیم که طبیعتی دست‌سخاوتی درینی را
نیز به گونه‌ای بخوانیم چنین مهی از تبریز و انتقامگیران بخوب
آورید و یهیه کوئیستهای ایران را بدان جلب کنیم، اینان و که هر
روز بیشتر به سوی دلوکس اندیادی شری کردند و میکنند بخشی
می‌بی از تبریزی اشکانی و روزگارگان ایمانیه که گذشته از
ویرگی هایی در نظرات و چکوئی طرح سائل بوزو را می‌کنند
توسط آن، بخوبی میتوانند و می‌باشد در همانکی با دیگر سیرو
های را انتقامگیری و آماده مبارک جامعه، در عمان سوی که کنتم حرب
کت کند. این نیست که کوئیستهای از راه بسیار نهست کارگردانی و

کوتاه سینه: پدر پیشورد و طایف کوئیستی، باز جمله پیدار
گذ اری حزب کوئیستی کارگری بروتاریا نیزی عده است. در پیشورد
و طایف دیگر ایشان و ملیت ایران باز جمله پاشتن و پرد اختن
سازمانهای پیشی آن بروتاریا نیزی رهبری کنده است لیکن
نهایاً با اتحاد با برمهان اور بر زرجهی بخست توند مهار و نجیر
نهیه بروتاریا و هفتاد خوده با، که نیزی عده می انتقام ایران
را می‌ستاند، متواته تکیه‌گاه استوار و شکست تا زیدی برای انتقام
میهن فراموش کردند. کوئیستهای ایران بر پاییه چین بزرگش
از وظایف خیزی، با پاششتن نطاوت میان آنها و بدستی در ر
آجیختن آنها نبرهای خود را برای آگاهانیدن «سازمان‌ساز ایران» و
پیغمبری کردن طبقی کارگر و مردم ایران سیمیج و سیام میکردند.
اتنان با راشن چینین بزرگ اشتی از کار و وظایف، که به کوئیستهای بازت
نموده شد، به پیشواز اعتصابهای کارگری خواهند رفت.

بزیرگیتین کبوتر چنیق گاری، و باید گفت همی مرد مهندس خوب گوشت است، اسمازی و قدرت سین را در دستش شاه و طبقات فرمانده در ایران از یکویه درآمد نفت و از سوی دیگر از دستگاه پلیسی و ارتضی وابسته است؛ لیکن آنچه که اینان را بیش از هر کاره اسماز کرد اندیه و تبرو بخشنده، آنچه که بزر معاشر سیاست مترجمین حاکم برای پانشکو چیزی اتصالدار نمی‌سازد، نظایر و فرهنگ شان در ای راه استراتژیک است، همانا، تبور خوب طفیل گاری است، زیرا بودن خوب، بمنای اتحاد اقلیانی ترین، پیشوaran و آگاهیتین بخش ممکن است، و پس جون خوب بدید آیند، همچو مردم بر عله حکومت شاه و این بالصور حمله خواهند گرفت و بدنیان مشتبهی برآمد شان به پیش گذاشتند بر قرق مترجمین بدل شد و معرفت آنها را خواهد روکد، هرگاهی برآنگاهی کوئیستهای و کارکران پیشوار و آگاه ایران جای خود را پیش سازیان واحد انتظامی نداده، سازمانی که براسنی ستاره رهیوی گشته و متعدد گشته می‌بود می‌باشد، آنکه مردم نتوانند آن را خواهند بایست که همچ جز درست اموریت و هنگام بر عله طبقات مستکر حاکم برپا کرده و جوکوت آنها را سرگین کرد اندیه و به ازاری و استقلال پوستند، آنکه کارکران و تورمی و سیعی چهاران شناختی، آن را خواهند بایست که راه به رعایت خود جسته و روزه زیربیری خوب خواهد از وضع در در ناک کتفی سیعی ایاری سیاست، و از آنها یکسر پیوی سیاستی

پیش تازند، حیدر عزیز طبلی از آموزگار و پیر برگ جنیش کوئیستی
و کارکرد ایران، گفته است: «بیرون یورپی حزب آزادی گذشت
اماکن تبدیل نیست». بنابراین و تختین کام در راه آزادی هیچین
و مرد ما باید آواران خوب طبقی کارکرد و تأثیم رهبری این حزب
است.

باید در ماهیت آن نظریاتی که کفرخانی ایران و لسرزم
غوری یا به گذری و تشکل حزب را نقی و اینکار را به آینده مهیا در
و انت انتخابی حواله میدهند و تاد و سوت و تراوی پیشرفت جنیش زیاد
نمیخند. اینها همه ایمانی آن پیشون که کوئیستیها بروای بندی اسات
که از هرچه زودتر حزب برپانهای تویسته و لملک و همه اش، شنیوی خود
را صرف فعالیتی برآورده و خوده کاراند گفت. باید می بدم تهی
گرفته باشند براسی در راه سازاند این حزب کارکردی کار یکنند که

این تزدهرا هستم، چه عواین استگاهی های خود حکومت و سر بر کوب و جنابهای پایان ایست که هر یار کارگران و رنجیان را نسبی "سق" می سیدهند که "زیرم را زیر سوال قرار دهند" کارگران و رستگاران بارها در زبانی که هیچ خوب و سازمان انتظامی نیز بر میان نمی پیده، "زیرم را زیر سوال" قرار آمدند و چنان بدرست بدرست خواست اتحادیهای مستقل که تخفیف چیزی ایست که ایند بینشیم هر کارگر ناخوشیدی راه میابد. کنی که فیضات گوئیستها را در میان کارگران از لحاظ سیاسی به "زیر سوال قرار این زیرم" و از لحاظ سازمانی به رخواست کردن اتحادیهای مستقل "فاب" بیوی محدود کردار نداشت، بینشیک، بیک مارکنسیت نموده، و که اکنون بیست است که این اتفاق در این سالهای اخیر میگذرد، این بیشتر کارگران از این میان باید غیراعادی اقتصادی و خود بخودی گذشت را بدینورد های مشهد و سراسری اقتصادی و سیاسی، و تبره های اقتصادی

راستی روی این اثارت. تمیزی نایاب. تابت میکد. که قرایانی بدن مردک از این سو رشته و طالق و عدم تتفق درست آنها به اتحاد تیره های خانی، بد، مشکل و گسترش جیبیتی واحد اتفاقیه بود که زار انقلاب از مرطبه تزارک به برخلافی گرفتند درست میسانی و گواه شخن بود گسترش و پیروزی انقلاب لکن در فراوان رسانیده و کفر را به شکست یکشاند. این اتفاقات از شکستهای روسیه و پروسه و امپراتوری اتریش و ایتالیا و ایام ایشان را بخوبی میتوان بخوبی دریافت که آن نظری که بزم خسروان اتحاد شیرهای ایاثل و بنشکل جیبیتی واحد را بعنوان وظیفه ای این هشتاد و هیج هزار سال از اسلام و ایران گردیده بود که این طبقی کارگر پیش نهاده و بدمخان وظیفه سیاسی است. راز ای اندیشه وظیفی سوزکاری و ملی میکد. تاچه اندانه خار نادرست و زیانبخش است. این نظری که سوزمان یارواری از گزوه های خانی برای خون یافته به تاریخ شکنی حرب طبقی کارگر ایده رسانی در و زبان میگذارد. اندخته و فروختن کار را بشکل جیبیتی اند مکاریک و ملی از روحیه ای اتفاقی موجون برازی یک بیارزوی مسلحانه بود. پیروزی آن نظریه که به اتحاد قوی ای انجمنی اتفاقات طغیتی بدل شود بکاهیه الهم کارگه و خواهان عباره کرن و روزیتی از آن انقلاب بدر میهن ما هستیم. و نه تنها شعوری مارکسم ملت هم و تجدیدیات پیروزی اتفاقیه ای کشورهای چون روسیه، چین، و سلطنت ایالات و جریان آن را که همی با شکل و پیروزی بلکه حرب اتفاقیه کارگردی به دید. وی رسیدن به دیده سیکلود، بلکه از تاریخ معاصر بین خیث

نیز درین تقریب و لعجهان درین تقریب تبار بارستی ها و گجره هایی
که نشانه و عرضه داشتند که تو ساختن می خواهیم و این را می خواهیم
درین سال آذانیک همچنان بر این تابور که حزب طبقی
کارگر ایران ته اساساً پر پیوند با طبقی کارگریکه اساساً در
پیوند با طبقی در حقان بدینه میباشد ساخت در اشتباخت اینسان
حزب کارگری راه کردن به استقرار پرولتاپی بوده و زیر این سازمان گذشت
نیستی است می بازیش انتقامی، که انسانی از تهدید های همقاتی
سازمان یافته و دلیل سازمان هموگرانیک تهدید ایمنی و ملی است، و باشیه
گرفته و به آندر سک میان میگذشت، با حرکت از جنین پرداشتی
از حزب کمونیست طبقی کارگر معلمان میشوند که ما شیخ خواهیم
ایجاد حزب بلکه خواهیم ایجاد ارتش اقلیان را باشیم و بدین
سان در این زیمه نیز وظایف سوسیالیستی را تقدیم و طلبیده و
کارگر ایران را می خواهیم

درایتک وی از آن، انقلاب را بدنون چشمی پروتئین کرد اسماه.
وستنی اینکه آیا مزب کمیست را ساید بر بنایه های کارکرده
پایه گذارد یا بر بنایه های عقایق و بواره هی آنچه هواه ایران نظر
خالق گرفته است این نسبت که آیا ده مقاطع انتلولین بد یا نه، بلکه
آیا رهیقی پروتئین از انقلاب ایمن است یا نه؟ مسئله ایست که
آیا پروتئین ایمن نوانی و گنجایش اینقلولین آیینه ای دارد که بود،
آنچه توزع های دهن، را به سیوف رهایش ایمان رهیقی گفت سا
آنکه توزار α میلید ماین پرسن باست زاده شون: گرام دهون
در ایران نعمت چشمی انقلاب را به همه دارد پروتئینها با
ده مقاطع و خوده بتوانند که ایام اید علوی خود را گذاشت و راهنمای
انقلاب است ای علوی کوئیست ما ای علوی خود را بروزی
و ادیکان α می دهد می باز جزو پروتئینها سایه ای داشته اند، با اینکه

لنهیم - اندیشه مایوسدیدن بیزی گرد و دارای برانه هر بر
رسیدن به دیکاتوری پوتشارا و جامعی طبیعتی کوئیست است ای
اساسا برروی پژوهش نتایج طبقی کارکر میاب سازیم یاد،
چه تبا این طبقه است اک (طبقه نین) غیرظی کوئیست است،
و خس، تبا این طبقه ایست که همچنان یادی حکم و مطعن حرب
کوئیست است ایست،

جیشان چایمهده تهبا شرطیان کویستی و ههاران روشنکنی
خون را زد و حسابت خوارید و بلکه این است که همین آن شرطیان
توانند آنهاه بگار گشتن را در سطح ها و مکان های گذار گردید
و پوره و پدر چیزان، اشکار گردی و روشنکری، آگاهی و سازمان هی
برادر و سلطنه کویستی و دوچرخه هنده طلی را بهتری یافتند. در
این یعنی پس، کویستی هنده گردید که این (هم درین طبقه اسلام
را هم کمیشان گذاشتند) در ایران هم چنین رعایت هم از لحاظ
منتهی (هر چشمی طبقه ای) اورید است و هم از لحاظ نهادی
را هم گفتند و در میان گرانی عینی، یاد شد و قرار گرفتند.
و طبیعت نمود که در برای چنین کویستی ایران قرار دارد و سلطنه
و شرطیه عادی هنده لین به سوابق ایزکار ای ایزکار و با بدیده گفتند
اسنکنی پوره و ایزکار هنده ما به ایزکاریم را زد و دسته و طفاف

مدد و معاونت د یک تشریه‌ای خود، هنرمندی و نیز هنرمندی این، ولی
فرصت طلبی و تاکید بر اینکه بجز اثقلات کشیده و پیشیگیری کرد. به
نهضت نیز ایست که جمهوری راحد طبقات انتخابی و آزاد خواه
جمهوریه می‌سازد بر یادی احتجاج کارکران و هفتمان بدی‌آمد، رعایت

نیان، نه تنها حد اصلی طبقی کارکر بر اتفاق، بلکه اینجا با پیرامی مطلع شد و بعده خود را بین طویل مسده از عان آنان سازمان داده و در تدریجی های استقلالیت برای نیزه و کشک خواهد کرد. و مبارزین، کوششیها در پیشبرد و تطابق بوسیله ایستی خوش بطری خود به بیرون پولوتاری ایران مکثندند، لیکن در پیشبرد و ظاهراً مکانیکی و ملی خوشی، در اخلاق کشی و بطری خود به نیزه روی شد و محتکران جامیه، که عاقلان مشتی آنها را نشکلیدند - هند، توندو و اردن - بدینسان و بقدیر پولوتاری ایران و جزب طفایشین سکی کامل به گاهی شان براین در پرسته و تطابق و سه تناوب میان آن دنوره و ارتقا و پیشش آنها را شت و هرگاه جین اگاهی وجود نماید، بشک و بوزوای وجود خود را رجایگاه رهیق حیث تحملی کرد، و در نتیجه، بی راه روی و شکست چشمی

دندرباری اطاعت نمایند و خاتمه کنند به خلق و دولت، و حبه‌ی
تیره‌ای آواره‌ی سخشن می‌بینی و جذب اصرار به خطاواری تا این زیست دست
شانه‌ی سود و به تراهم پرداختن با او را بخواهد پذیرفت، و
این حمله‌ی جهانی ایرانی را موابد اند و به دربار طاعون شاه
پریان نات خواجه کرد که خلق ما قادر است به مقابله از وطنش
و خلاص عمان کرستان اتفاق‌کران ایرانی و نوگران می‌باشد
پیکارشان در مستخطه‌ی خواهد بود.

چانک در پیش گفته، با از من تکرار میکنم که، یا باید گذار
از دن اتفاقی، اصلی و کبید است و مظیرمان از آن هم علیله
از از این اند هم تشكیلات حزب طبقی کارگر است - سازماندهی چنین
نه، چنین که متواتر و بغير توجه مهای ایران گردید و نه تنها میباشد
باید اهل اخواه، عطفها برپایانه مارکسیست - لیبرتیست (روزه
نیزی و پیشی) ساخته شود بلکه از لحاظ سازیانی نیز میباشد ممکن
نه چاکسترده، منطبقو بخت پنهان باشد - میباشد ساختن
نین چنین چنین یا باید گذار یکی سازیان همه چاکسترده نیزی و پیشی،
استخوان‌نشی آنرا هرج چه بیشتر کارگران پیشو شتشکل داده و
شای آن بطور حرفاها به فعالیت اتفاقی پردازند آثار شود -
جه جشن انتقامی کارگران و جرجهای انتقامی توههای بد مردم
اچ خود نزد پیکر شود نیاز به بیون چنین سازی ایشان و
مشتر شده و از گوئیشان تباش بیشتری را برای ساختن و پرداز -
عن آن مطلب - هر اعضا کارگری خوش گویی هد و هر من
رازی مقاومت و جهادی که در میان تودهی تاختن و بیون تاکتیکی
من بدانید آید، سیان فراخوانی از سوی کارگران و مردم است
بلکه سازیان وسیع و حکم مارکسیست که بیون زدنده و تخدی -
دی همی امکنیات خشم و ساریزی مردم بوده و راههای و رهیں
آنده و ظل بیکد - بدن را شنن این سازیان، مردم ما هیچ چیز
ارزند -

اگر جشن غولپیشی میهن ما در گذشته به تو مهترین
دو رجاسیو دیده، سیاهی از این دو یکی بر زینیت شعری و یکی
زینیتی سارقانی بوده است - چه بحقیقت اکثیریت همه تکریی
کم و جدا شدید شدای که بنا به شرایط و تحولات جامعه نکامل
نمیشد اشتغال و نهاد را ای تشكیلات میهن که برآیان یا پیشاند
ماه کار بود و در برایر توفان سخت میازیزی بیانات و ملی استوار
برایجا استد میور دام - اگر ما مارکسیسم را برداشتیم را بر شرایط
معده اطمیح را داده و تکلی بدهم - اوک سازیان چنی بمحکمی
برد اینه سازیانی که بیکد در گذار از اینه بیرون های اجتماعی پیدا
شدند آمد - طوی نه خود بخوب بلکه طبق یکه تقدیمی از پیش داشته
کاهانه - آنکه - ۷-۱۰ صد بیزاری خود بخوب تضمیم گذشت است،
پس موظفی فراوانی که در هر سوی میهن در فعالیت و
وزر اید - اگر میه میبد و پیشوای خشباشی از کار و که بشکل
درین بخت نشده فاقد و پیشوای خشباشی انتقامی کارگران و حق -
دی انتقامی همه جا گسترد و در همان پویم ۱

و میانی را به ظاهراهای و شاهی سیاسی دانها را بر پیش
ما سوارهای در یک دوره میان مردم به سوی برجوادهای قیصری و
انقلابی تبدیل می‌نمودند این انتخاب حاکم و این ایالاتیم
پدربری کرد و شنیدن طبقی کارگر و زخم را برای چنگی داشت
و همان روزهای پیش از آغاز این انتخاب حاکم و این ایالاتیم
بیشتر از ۱۰۰ هزار نفر میان مردم برداشت
نمایاد و پسیغ کردند.

سازمان چیز خوشی سپاهی سازمان معلم اعلیٰ نهاد
در شرطیت میهن ما میباشد سخت پیشان و مستحبم شدیده باشند
توانند بود . بیانید در درجه چون بخست چین مانواری در میان
کارکاران که نیزه دند و هر آن یا آن هرگز کشیدن و پیشتر نیز
کارکاران بکار پیشان احتمالهای دست زده و ندان آنکه فعالیت
بر روزهای گذشته را وکی اصطلاح به قبیل "هارای تووههها"
میوروند ولی رامی را با اینکه باید بر قبیل "نان میونهه" بدین
گذرا که ایند که کاری گذشت "ور تها" سرخیات است احتمالهای
مستقل گذرهای "زدم را نیز سکوال فرار تهدید" هرگز کاری لئے
تووند هم با در سالهای ۱۳۶۹-۱۴۲۲، بیرون وجود کوچهای
گذشته در قبیل "نان تردند" ۷

بر میان، باید گویند که هنگامیکه از پایه بیزی استخوا-
هندید سازمان حزب آباده در میان کارگران خشن گذشت و بهینه رو
ضدصورت آن نیست که گویندستا تسبیه میان کارگران بروند، نیز روی
کمی حسنه کوششستی مانند این کم نیست و پس از جدید نسل
برور گویندستی و کارگری در ایران، اگون، از تعداد افراد اکثر
شارک گویندسته در ایران نسبتاً سخن داشت. بدین دلیل، این
نهضه‌ها نیز که «رسیال» نوکری اینها باید به میان همه طبقات
درین روند «هر مرد و هر زن حسنه ما نیز برایست» بوده، و بدین اینکار
هم به میتوان هرگز بولتی را در انتقاد تأسیس کرد و نه سازمان
حسنه را ساخت که واقعاً تعانی هرگز کردن را امتنان نداشت.
باری، وندیدی مانند آنکه علیات سلطحاً اعانت پراکنده
برینشکران و گوچه‌بای اتفاقی را منعوان راه رسیدن به حزب و
حسنه انتقامی توره طرح نکنند، و نه آنکه فعالیت پراکنده‌گر.
و همچنان که در میان توره‌ها برای «سق دار» حسنه خود بخودی
آنان سبسوی رخواست اند اینها علی‌تائیی و پیر مسئول قرار
دادن روزیم «براستی را، پیوستن خود بخودی حسنه کوئینست را با
مسن حزب بخودی توره و منعوان، بروانه» پس می‌بینند، همچنین
وست نیز گویندند و هردو بخش کوئینست و اتفاقی مارا به کجا راه

سرگ میر ۱۹۰۰
عن عمان را بخت سلطنه استخاره و انتخاب دولت گردید و بعد پس از
بیان مدنیت اینکه مدنیون و افسران انگلیسی و مستعمراتی کوت دادند
و در ۱۹۲۱ جمعی آفریقی کردند بودند بر زارگاری ایمان
و ندن به اختلاف شناختن امدادند و بعد از اینکه همه خبرگزاریها
و پرشا که رای ازهم پاشیدن جبهه و برای اند اختن اختلافات
کشیدند و کویندن خلق بددست خود من یکار گرفتند همه نی شر مانده
و قابویں و ایمان انگلیسی پیش لحظه ایمان بخواه تردید ند از درجه
از شریوهای ایران استفاده طبلیدند تا با خلق قیصریان عمان و
الاب سلطنهایشان را اعظم چونی بجذبند. مشهد
جهیزی تولد ای نقن جنایتا را ای تابویں ایضاً
و ند بر ملاساخته است بعد از اینکه جنیه ام القائم را رسال
۱۹۷ به شاهزاد و بیند از اینکه منظفی رفیون "رامي الجبال"
بخت حیاتی شریون دریانی و معاون ایران عزارت اد هنده این
نم دست نشانده شنان زاده است که در اینام خانه ای هرچه
ستر در حق وطن و خلق عمان و در حق شاهزاد و شرافت وطن

کوشش‌های ایران، همچنانکه تحریمات همه‌ی کشورهای شانس ازد، می‌باشد. کار را متعال با عملیات نظامی پیگیر و نه با زنگالهای مردمی می‌نماید. بنابراین با سازمان‌داران یک دستگاه انتظامی‌بای سیاسی بر ساختار سیاسی منظر و فضای اکاعتراف در میان نیمه‌های انساز شود و گذشتگاری اینکار را میان اندیشه‌ی نهاد و همه‌جای گسترش‌های را می‌سازند. میکنیم که آغاز کار را بیرا با استثنای بیانات سیاسی و آثار عکسی، حد امن چیزیست که هم بعلت نبودش (بصورت سازمانی‌اش) و سیاستی سخت بیرون نیازگاری نموده باشد و یا بیند گفت، بهترین و نخستین نیازی است که آن از اندیشه‌ین خواهد بود، هم بعلت اینکه ساده ترین و نخستین کاربریست که قوه‌ها چون اند شرکتی به سیاست و سازمان‌داران آن بپردازند. سوچ سیاست و سازمان را در این چنین کاری را یعنی مشترک ایجاد سازمان نهاد و همه می‌گذرد که را که می‌خواهیم حفظ کنار. بخلافه ضرورت چنین نیازی را بایست که بیر جال و حد قدری و پیشرط نخسین اتحاد نمود ایجاد پیشویتی و آناده ترین عناصر نوبهای کارگر می‌گردید و سازمان حزب نیز که نکنی از اتحاد، همین عناصر

جمهوری تونهای آذربایجان عبان و خلیج عرض
۱۹۷۳/۱۲/۲۷

در مشارکی پیش از تعریف نامه‌ای از ریچ شهد.
احمد حرم آبادی چاپ رسانید و مام کرد. اگر آن در رخدان
سطری که او سوی ما نوشته شده، انتهاهای این ریق را غصه
که روزه آرام خلق سوئشام، حال آنکه او از خواهان سازمان
چیزی که این خلق بوده است.

D. T. L. P. O. BOX 1148
8200 AARHUS, N.
DENMARK
J. SALAR
ACCOUNT NO. 51030/637849
ARAB BANK
BEIRUT, LEBANON

همچنین جمهوری تندروی آزادانه بیشتر روش تکریه است که از اینچنان اکبر و بیش قدر برای این انتشار از عرب امیر دنده را این بسم آمریکا و حضوره کرید و حال مخواهد بود که بجزوهای نظری و سیاسی را ماجاشین کردن راه حلیابی اقليم طلبان و نئوشعاهی حرمانی که هدفان یا بان دارند و ندانند کردن جنین آزادانه بخشش علی فلسطین و عرضی است، او را بسیار در جهانی تههای آزادانه بخشش در باریان نیامنی آیینه امیریت و ارجاع علیه شیوه های اقلالی از احباب چیزی هی غیری و در زمان اول آنها حکمت متوجه درین نمایه ای ایجاد سلحشورانه عماں هشدار داده است. هدف جمله ایران، اشغال وطن و پایان داری به انقلاب سلحشوری خلق ما یکی از حلقوهای نئوشعاهی امیریستی برای تنظیم است که در آن از همه شرایط بکیند هنوز را احاطه کرده باری به اجراء درآوردن این نتیجه خواهد. نتیجه این شورش در این انتشار از این این اتفاقات میشود. فرموده شد: «ایرانیان! این اتفاقات را بپرسید و بگویید که این اتفاقات را با خلق هایز ما: اکبر اینکلیس مخواهد که حمله ایرانیان را بخوبی و مستقر نماید و اکبر قایوس، هنگامیکه از این این این اتفاقات را نایبور گرد و رخبات دارد، است که کاران را ایزدیان

گرگان و گوشهای کوپنیستی در خارجه، هرگاه نیزه‌های خود را
بر روی اینجا ایستاده کارها بیک راه انداختند و هدستان اقسام
شکسته شده اشتبهی را در راه پنهان می‌آوردند میک دستگاه وسیع
و قدرتمند شده تلقیخان و گلاخانه از مر جامه بازی توانند کرد و بخشی
از آنست تیبا ایکیه بر همین کوپنیستی درین کشور بیر گرهای
سازمانیها وجود نداشتند، سیستان ایقا کردند
ما شاهد اینم که اگر جنین کوپنیستی در ایران به جنس
بین‌نیاری باشد بدهی شسته بکردند و این کار از در طبع و سیع
و تبلور سقلم و مشترکان پیش بود، اگاه بوزیری زود در حاصمه‌ها
بیک قطابی می‌رسید در بر این طبقات ملک و حکومت شاه
بدید خواهش آشی که همی نیزه‌های بیدار جامد را خود جلب
نمی‌توانند از خانه را به آندیشه و سرکت شیوه خواهند کرد، بخلافه
سیار عناصر و گروهی‌ها کوچک و پراکنده را، که بینند در میان کار-
گران پیشتر موجودند، سیاری را که از ایشان‌گان جشنی‌شان کار-
بری بزرگ کشته و یا از بزرگان آنانست، به حرکت، همراهی و
نمکاری خلب خواهد کرد و پایه‌ی سازمان پیمان و کمیسره‌ی
نظامی، و سین، خبرخواهی خواهد کرد.

